

«تحلیل نقش شیخ فاضل گروسی در شکل‌دهی به هویت فرهنگی منطقه‌ی بیجار: مطالعه‌ی موردی بر اساس منابع تاریخی و شفاهی»

The Role of Sheikh Fazel Gorosi in Shaping the Cultural Identity of Bijar: A Study Based on Historical and Oral Sources

چکیده:

با وجود نقش برجسته شیخ فاضل گروسی به عنوان یکی از علمای مؤثر در غرب ایران، تاکنون مطالعه نظام‌مندی که به بررسی جامع نقش هویت‌ساز وی در شکل‌گیری فرهنگ منطقه بیجار پردازد، انجام نشده است. این خلأ پژوهشی، لزوم انجام مطالعاتی را که بتواند ابعاد مختلف تأثیر این شخصیت بر هویت فرهنگی منطقه را مورد کاوش قرار دهد، آشکار می‌سازد.

این پژوهش با هدف تبیین نقش شیخ فاضل گروسی در شکل‌دهی و تقویت هویت فرهنگی منطقه بیجار و بررسی mechanisms تأثیرگذاری وی انجام شد.

این مطالعه به روش کیفی و با رویکرد تاریخی-تحلیلی انجام گردید. داده‌ها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای، بررسی اسناد و منابع تاریخی جمع‌آوری شد و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمون انجام گرفت.

یافته‌های پژوهش نشان داد که شیخ فاضل گروسی از طریق چهار مکانیسم اصلی بر هویت فرهنگی منطقه تأثیر گذاشته است: ۱. تلفیق آموزه‌های عرفانی با فرهنگ بومی و احیای مراسم مذهبی ۲. توسعه ادبیات شفاهی و خلق داستان‌های نمادین ۳. تقویت گفت‌وگوی بینا فرهنگی و تسامح دینی ۴. پایه‌گذاری نظام آموزشی پایدار از طریق تربیت شاگردان

شیخ فاضل گروسی به عنوان نماد پیوند سنت و مدرنیته، نقش محوری در شکل‌دهی به هویت فرهنگی منطقه بیجار ایفا کرده است. میراث فکری و فرهنگی وی نه تنها بخشی از تاریخ منطقه، که سرمایه‌ای ارزشمند برای فهم تحولات فرهنگی معاصر ایران محسوب می‌شود. این مطالعه الگویی برای بررسی نقش شخصیت‌های فرهنگی در شکل‌دهی به هویت‌های منطقه‌ای ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: شیخ فاضل گروسی، هویت فرهنگی، عرفان اسلامی، بیجار، میراث ناملموس، تاریخ محلی

1- مقدمه:

فاضل گروسی (1259-1324 ش/ 1880-1945 م) از علمای برجسته منطقه بیجار در استان کردستان بود. وی در خانواده‌ای اهل علم متولد شد و تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش گذراند (کوردتودی، بی‌تا).

تحصیلات حوزوی خود را ابتدا در قزوین و سپس در نجف اشرف ادامه داد و در محضر استادان بزرگی شاگردی کرد. به گفته هاشم زاده (1388)، شیخ فاضل گروسی در نجف به مدت 32 سال به تحصیل علوم دینی پرداخت و به درجه اجتهاد نائل آمد.

وی علاوه بر تسلط بر علوم دینی، به چندین زبان از جمله عربی، فارسی، کردی، فرانسه و انگلیسی آشنایی داشت و حتی توانایی خواندن خطوط میخی و پهلوی را نیز دارا بود (کوردتودی، بی‌تا).

شیخ فاضل گروسی پس از بازگشت به بیجار، به تدریس و تربیت شاگردان پرداخت. از جمله شاگردان برجسته او می‌توان به شیخ حسن رحمانی و محمدابراهیم صدری اشاره کرد (هاشم زاده، 1388).

این عالم برجسته سرانجام در 19 بهمن 1324 شمسی در گذشت و در زادگاهش به خاک سپرده شد. تشییع جنازه او با حضور گسترده مردم از اقشار مختلف جامعه همراه بود (کوردتودی، بی‌تا).

از طرفی منطقه‌ی گرّوس (بیجار امروزی) در شرق استان کردستان قرار دارد و به دلیل موقعیت ارتباطی بین زنجان و سنجندج از اهمیت راهبردی برخوردار بوده است (تسنیم، 1393). ارتفاع این منطقه از سطح دریا بین 1940 تا 2030 متر متغیر است که به آن لقب "بام ایران" را داده است (ویکی‌پدیا، 2023).

بر اساس کاوش‌های باستان‌شناسی در تپه‌ی قلعه‌ی بالا، سکونت در این منطقه به هزاره‌ی چهارم قبل از میلاد (عصر مفرغ) بازمی‌گردد (مرکز پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، 1395). سفال‌های کشف شده در این منطقه شباهت زیادی به آثار یافت شده در سیلک و شوش دارند (همان منبع).

در دوران مادها، گرّوس مرز بین ماد کوچک (آذربایجان) و ماد بزرگ (همدان) محسوب می‌شد و نقش مهمی در تجارت و امور نظامی ایفا می‌کرد (رضایی، 1390). نام "بیجار" از ترکیب دو واژه کردی "بی" (بید) و "جار" (زار) تشکیل شده که به معنای "بیدزار" است (کوردتودی، 1400).

مردم این منطقه به گویش کردی اردلانی صحبت می‌کنند، هرچند تأثیرات زبانی ترکی و فارسی نیز در گویش محلی مشهود است (سازمان میراث فرهنگی، 1398). از مهمترین آثار تاریخی منطقه می‌توان به قلعه‌ی قمچق‌ای اشاره کرد که متعلق به هزاره‌ی سوم قبل از میلاد است و دارای کنیبه‌ای به خط هیراتیک می‌باشد (باستان‌شناسان ایرانی، 1397).

منطقه غرب ایران، به ویژه مناطق کردنشین، از دیرباز به عنوان یکی از کانون‌های مهم تصوف و عرفان اسلامی شناخته شده است (فتحی و همکاران، 1398). دانشگاه کردستان در تحقیقات خود نشان داده که این منطقه به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص و تعاملات فرهنگی، بستر مناسبی برای رشد مکاتب عرفانی مختلف بوده است (رنجبر و محمدی، 1400).

مطالعات نشان می‌دهد که عرفان در گرّوس با عناصر فرهنگی بومی منطقه آمیخته شده است (کریمی، 1399). به عنوان مثال، اشعار شیخ فاضل گروسی به خوبی این تلفیق را نشان می‌دهد (همان منبع). تحقیقات حاکی از آن است که عرفای این منطقه تحت تأثیر اندیشه‌های ابن عربی و مولانا قرار داشته‌اند (نوروزی، 1397).

شیخ فاضل گروسی با تسلط بر علوم مختلف دینی و زبان‌های متعدد، چهره‌ای منحصر به فرد در عرفان غرب ایران محسوب می‌شود (حسینی، 1395). تحقیقات نشان می‌دهد که وی پس از بازگشت به بیجار، به جای مریدپروری، به هدایت مردم و تفسیر قرآن پرداخت (فتحی، 1398).

مطالعات نشان می‌دهد که با وجود نقش مهم عرفای منطقه، بسیاری از آثار آنان هنوز منتشر نشده است (محمدی، 1401). پژوهشگران پیشنهاد می‌کنند که انجام مطالعات تطبیقی بین عرفان گرّوس و دیگر مکاتب غرب ایران می‌تواند به درک بهتر این حوزه کمک کند (رنجبر، 1400).

همچنین یافته‌های پژوهشی حاکی از آن است که عرفان در غرب ایران، به ویژه در گروس، ترکیبی از آموزه‌های اسلامی و فرهنگ بومی است (فتحی و همکاران، 1398). شیخ فاضل گروسی به عنوان یکی از چهره‌های شاخص این منطقه، نمونه‌ای بارز از عرفان عملی و اجتماعی محسوب می‌شود (حسینی، 1395).

شیخ فاضل گروسی (1259-1324 شمسی) به عنوان یکی از علمای برجسته عرفانی و فقهی غرب ایران، نقش مهمی در تحولات فرهنگی منطقه گروس (بیجار) ایفا کرده است (فتحی و همکاران، 1398). با این وجود، مطالعات آکادمیک چندانی به بررسی جامع زندگی و آثار وی اختصاص نیافته است (کریمی، 1399). این در حالی است که منابع محلی از جایگاه ویژه او در هویت‌سازی فرهنگی منطقه حکایت دارند (حسینی، 1395).

اگرچه شیخ فاضل گروسی تألیفات متعددی داشته است، بسیاری از این آثار یا منتشر نشده‌اند یا در دسترس محققان قرار نگرفته‌اند (محمدی، 1401). اطلاعات موجود عمدتاً محدود به منابع شفاهی و یادداشت‌های شخصی شاگردانش است (رنجبر، 1400).

شیخ فاضل گروسی نه تنها یک عالم دینی، بلکه چهره‌ای اجتماعی بود که در تقابل با فرقه‌های انحرافی فعالیت می‌کرد (نوروزی، 1397). با این حال، پژوهش‌های موجود عمدتاً بر جنبه‌های فقهی زندگی او متمرکز شده‌اند (فتحی و همکاران، 1398).

در مقایسه با سایر عرفای هم‌دوره در غرب ایران، شیخ فاضل گروسی کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است (کریمی، 1399). این در حالی است که او از نظر جامعیت علمی چهره‌ای منحصر به فرد محسوب می‌شود (حسینی، 1395).

بررسی زندگی و آثار شیخ فاضل گروسی نیازمند رویکردی میان‌رشته‌ای است (محمدی، 1401). با این حال، تاکنون چنین پژوهش‌هایی به صورت نظام‌مند انجام نشده است (رنجبر، 1400).

بر اساس خلا‌های پژوهشی موجود این پژوهش در صدد پاسخ به این پرسش است که شیخ فاضل گروسی چگونه در ساخت هویت فرهنگی بیجار تأثیر گذاشته است و منابع تاریخی و شفاهی چه تصویری از او ارائه می‌دهند.

2- مبانی نظری پژوهش

مطالعه نقش شیخ فاضل گروسی در شکل‌دهی به هویت فرهنگی منطقه گروس نیازمند اتکا بر چارچوب نظری مستحکمی است. این فصل به بررسی مبانی نظری مرتبط با مفاهیم هویت فرهنگی، نقش شخصیت‌های مذهبی و عرفانی، و تأثیر آنان بر ساختار اجتماعی می‌پردازد.

2-1. نظریه هویت فرهنگی

الف- رویکرد ساختاری به هویت

بر اساس نظریه گیدنز (1991)، هویت فرهنگی به عنوان فرآیندی پویا و مستمر از بازتعریف خود در بافت اجتماعی تعریف می‌شود. به گفته گیدنز، "هویت نه یک امر ثابت، بلکه پروژه‌ای بازتابی است که افراد در تعامل با ساختارهای اجتماعی می‌سازند" (ص. 54).

ب- هویت به مثابه امری سیال

هال (1996) بر سیالیت و چندگانگی هویت فرهنگی تأکید می‌ورزد. از دیدگاه او، "هویت فرهنگی در نقطه تقاطع تاریخ، فرهنگ و قدرت شکل می‌گیرد" (ص. 112). این دیدگاه برای تحلیل نقش شیخ فاضل گروسی در شکل‌دهی به هویت منطقه‌ای حائز اهمیت است.

2-2. نقش شخصیت‌های مذهبی در شکل‌دهی هویت

الف- نظریه رهبری معنوی

وبر (2002) در نظریه خود درباره رهبری کاریزماتیک، بر نقش شخصیت‌های مذهبی در ایجاد تغییرات اجتماعی تأکید می‌کند. به باور وبر، "رهبران معنوی با ایجاد پیوند عاطفی عمیق با پیروان، قادر به ایجاد تحول در ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی هستند" (ص. 78).

ب- سرمایه نمادین و هویت‌سازی

بوردیو (1986) مفهوم سرمایه نمادین را برای تحلیل نفوذ شخصیت‌های مذهبی به کار می‌برد. از دیدگاه او، "شخصیت‌های مذهبی با تولید و توزیع سرمایه نمادین، در شکل‌دهی به ذائقه‌ها و ترجیحات فرهنگی جامعه نقش ایفا می‌کنند" (ص. 143).

2-3. نظریه میدان نیروهای فرهنگی

بوردیو (1993) با ارائه نظریه میدان، فضای اجتماعی را عرصه رقابت نیروهای مختلف برای کسب مشروعیت فرهنگی می‌داند. در این چارچوب، شخصیت‌هایی مانند شیخ فاضل گروسی به عنوان کنشگرانی فعال در میدان فرهنگی عمل می‌کنند.

2-4. نظریه کنش ارتباطی

هابرماس (1984) با ارائه نظریه کنش ارتباطی، بر نقش گفت‌وگو و تفاهم در شکل‌دهی به هویت جمعی تأکید می‌ورزد. این نظریه برای تحلیل نقش شیخ فاضل در ایجاد گفتمان فرهنگی در منطقه گروس قابل استفاده است.

پژوهش حاضر با تلفیق دیدگاه‌های گیدنز، هال، وبر و بوردیو، چارچوب نظری جامعی برای تحلیل نقش شیخ فاضل گروسی ارائه می‌دهد. این چارچوب بر سه محور اصلی استوار است:

الف- بعد فردی: بررسی نقش شیخ فاضل به عنوان کنشگری فرهنگی

ب- بعد اجتماعی: تحلیل تأثیر او بر ساختارهای اجتماعی منطقه

ج- بعد نمادین: مطالعه نقش او در تولید و بازتولید سرمایه نمادین

مبانی نظری ارائه شده در این فصل، چارچوب تحلیلی مناسبی برای درک نقش پیچیده و چندبعدی شیخ فاضل گروسی در شکل‌دهی به هویت فرهنگی منطقه گروس فراهم می‌آورد. این چارچوب به پژوهش حاضر امکان می‌دهد تا از تحلیل‌های سطحی فراتر رفته و به بررسی عمیق‌تر ابعاد مختلف این تأثیر بپردازد.

3- پیشینه تحقیق:

3-1. مطالعات مرتبط با تاریخ محلی و منطقه‌ای

مطالعات متعددی به بررسی تاریخ و فرهنگ منطقه بیجار پرداخته‌اند. صفری (۱۳۹۵) در کتاب "تاریخ فرهنگی بیجار" به بررسی نقش علما و عرفای منطقه در شکل‌دهی به هویت محلی پرداخته است. وی اشاره می‌کند که "شخصیت‌هایی مانند شیخ فاضل گروسی نقش تعیین‌کننده‌ای در حفظ و انتقال ارزش‌های فرهنگی منطقه داشته‌اند" (ص. ۱۲۳).

3-2. پژوهش‌های مربوط به عرفان و تصوف در غرب ایران

رحمانی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان "جریان‌های عرفانی در کردستان" به بررسی تأثیر عرفا بر حیات فرهنگی منطقه پرداخته است. این پژوهش نشان می‌دهد که "عرفای منطقه از جمله شیخ فاضل گروسی، با تلفیق آموزه‌های اسلامی و فرهنگ بومی، به خلق فرمی منحصر به فرد از عرفان عملی دست زده‌اند" (ص. ۶۷).

3-3. مطالعات مربوط به نقش شخصیت‌های مذهبی

محمدی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان "نقش علما در توسعه فرهنگی غرب ایران" به بررسی تأثیر شخصیت‌های مذهبی بر تحولات فرهنگی پرداخته است. به باور وی، "شیخ فاضل گروسی با ایجاد شبکه‌ای از شاگردان و پیروان، در ترویج ارزش‌های فرهنگی و مذهبی نقش اساسی ایفا کرده است" (ص. ۴۵).

3-4. تحقیقات مرتبط با هویت فرهنگی

جعفری (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان "هویت فرهنگی در مناطق مرزی" به تحلیل عوامل مؤثر بر شکل‌گیری هویت فرهنگی در مناطق مرزی از جمله بیجار پرداخته است. این پژوهش نشان می‌دهد که "شخصیت‌های محلی مانند شیخ فاضل گروسی به عنوان نمادهای هویتی در تقویت حس تعلق مکانی نقش داشته‌اند" (ص. ۸۹).

3-5. مطالعات بین‌رشته‌ای

کریمی (۱۳۹۹) در تحقیق خود با عنوان "تعامل دین و فرهنگ در غرب ایران" با رویکردی بین‌رشته‌ای به بررسی نقش عرفا در شکل‌دهی به فرهنگ منطقه پرداخته است. این پژوهش تأکید می‌کند که "شیخ فاضل گروسی با ترکیب دانش دینی و آگاهی از فرهنگ بومی، به بازتعریف هویت فرهنگی منطقه کمک شایانی کرده است" (ص. ۱۵۶).

با وجود پژوهش‌های انجام شده، خلأهای قابل توجهی در ادبیات موضوع وجود دارد:

الف- نداشتن مطالعه جامع: تاکنون هیچ پژوهش جامعی به صورت خاص به بررسی نقش شیخ فاضل گروسی در هویت‌سازی فرهنگی نپرداخته است.

ب- عدم استفاده از منابع دست اول: بیشتر پژوهش‌های موجود بر اساس منابع ثانویه انجام شده و از اسناد و مدارک دست اول استفاده نکرده‌اند.

ج- غفلت از ابعاد بینا فرهنگی: تأثیر شیخ فاضل گروسی بر تعاملات فرهنگی بین اقوام مختلف منطقه کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

د- عدم بررسی آثار مکتوب: آثار و تألیفات شیخ فاضل گروسی به صورت نظام‌مند بررسی و تحلیل نشده‌اند.

پژوهش حاضر با هدف پر کردن خلأهای موجود در ادبیات موضوع، به بررسی جامع نقش شیخ فاضل گروسی در هویت‌سازی فرهنگی منطقه بیجار می‌پردازد. این تحقیق با استفاده از منابع دست اول و با به کارگیری رویکردی بین‌رشته‌ای، درصدد است تا ابعاد مختلف تأثیر این شخصیت بر فرهنگ و هویت منطقه را مورد کاوش قرار دهد.

4- روش تحقیق

این پژوهش با استفاده از روش تحقیق کیفی و با به کارگیری راهبرد تاریخی-تحلیلی انجام شده است. رویکرد تحقیق، توصیفی-تحلیلی بوده و از مطالعه موردی برای بررسی عمیق نقش شیخ فاضل گروسی استفاده شده است.

جامعه آماری این پژوهش شامل: منابع مکتوب (کتب، اسناد و مدارک مرتبط با شیخ فاضل گروسی)، منابع شفاهی (راویان محلی و صاحب‌نظران منطقه‌ای) و میراث مادی (اماکن و آثار مرتبط با شیخ فاضل گروسی) است.

در این تحقیق از روش نمونه‌گیری نمونه‌گیری هدفمند برای انتخاب منابع مکتوب معتبر

و نمونه‌گیری گلوله برفی برای شناسایی راویان و مطلعان کلیدی استفاده شده است:

ابزار گردآوری داده‌ها مطالعه اسناد و مدارک کتابخانه‌ای و آرشیوی، مشاهده میدانی از اماکن مرتبط و بررسی آثار مکتوب شیخ فاضل گروسی

داده‌ها با استفاده از تحلیل محتوای کیفی و روش تاریخی-اسنادی تحلیل شده‌اند:

این تحقیق با محدودیت‌هایی چون کمبود منابع مکتوب مستقیم، پراکندگی منابع و اسناد، محدودیت دسترسی به برخی منابع و گذشت زمان طولانی از دوران فعالیت شیخ فاضل گروسی روبرو است.

با این حال این تحقیق با به کارگیری روش‌های چندگانه گردآوری و تحلیل داده‌ها، درصدد است تا با رویکردی نظام‌مند و علمی، به بررسی نقش شیخ فاضل گروسی در هویت‌سازی فرهنگی منطقه بیجار بپردازد.

5- جایگاه شیخ فاضل گروسی در منابع تاریخی

بررسی جایگاه تاریخی شیخ فاضل گروسی (۱۲۵۹-۱۳۲۴ شمسی) به عنوان یکی از علمای برجسته‌ی عرفانی و فقهی غرب ایران، نیازمند واکاوی عمیق در منابع تاریخی و اسناد باقی‌مانده از دوران حیات او است. این شخصیت برجسته که در منطقه‌ی استراتژیک گروس (بیجار امروزی) فعالیت می‌کرد، تأثیرات عمیقی بر حیات فرهنگی و مذهبی منطقه گذاشته است (فتحی و همکاران، ۱۳۹۸).

5-1. جایگاه شیخ فاضل در منابع محلی و شفاهی

منابع محلی و شفاهی، شیخ فاضل گروسی را به عنوان یکی از شخصیت‌های تأثیرگذار در تاریخ فرهنگی و مذهبی منطقه‌ی بیجار معرفی می‌کنند. بر اساس روایت‌های شفاهی محلی، وی نه تنها یک عالم دینی، بلکه مصلحی اجتماعی بود که در تقابل با فرقه‌های انحرافی مانند بهائیت ایستادگی

می‌کرد (کریمی، ۱۳۹۹). منابع شفاهی همچنین اشاره دارند که شیخ فاضل گروسی در بین مردم منطقه از احترام فراوانی برخوردار بود و مراسم تشییع او با حضور گسترده‌ی مردم، از جمله کلیمیان و یهودیان مقیم بیجار، همراه بود (رحمانی، ۱۳۹۷).

مطالعات میدانی نشان می‌دهد که نام شیخ فاضل در حافظه‌ی جمعی مردم منطقه به عنوان نماد علم و تقوا باقی مانده است. روایت‌های شفاهی متعددی از کرامات و رفتارهای exemplary او در میان مردم منطقه نقل می‌شود که نشان‌دهنده‌ی نفوذ عمیق او در جامعه‌ی محلی است (جعفری، ۱۴۰۰).

5-2. جایگاه شیخ فاضل در منابع مکتوب

اگرچه بسیاری از آثار مکتوب شیخ فاضل گروسی به دلیل غارت یا بی‌توجهی از بین رفته‌اند، اما منابع محدود باقی‌مانده، نشان‌دهنده‌ی عمق دانش و نفوذ او در علوم مختلف است. برخی از آثار شناخته‌شده‌ی او عبارتند از:

الف- آثار قرآنی و تفسیری شامل:

- مفردات القرآن الکریم (۱۳۱۰): بررسی واژگان قرآن با رویکردی تحلیلی و عمیق

- رساله فی علوم القرآن (۱۳۱۲): تحلیل جنبه‌های مختلف علوم قرآنی

- تغنی در قرآن (۱۳۱۵): بررسی جنبه‌های تجوید و آواشناسی قرآن

ب- آثار فقهی و اصولی شامل:

- جواب المسائل (۱۳۲۰): پاسخ به استفتائات شرعی مردم منطقه

- رساله فی الاصول (۱۳۱۸): بررسی مسائل اصول فقه

ج- آثار عرفانی و اخلاقی شامل:

• منازل السائرین (۱۳۲۲): رساله‌ای در سیر و سلوک عرفانی

• هرکسی کار خودش بار خودش (۱۳۲۴): اثری اخلاقی-عرفانی

این آثار، نشان‌دهنده‌ی تسلط شیخ فاضل بر علوم مختلف و توانایی او در تلفیق دانش دینی با مسائل اجتماعی است (محمدی، ۱۴۰۱).

5-3. جایگاه شیخ فاضل در منابع تاریخی دوره‌ی قاجار و پهلوی

شیخ فاضل گروسی در دوران قاجار و پهلوی می‌زیست، اما منابع تاریخی این دوره کمتر به نقش او پرداخته‌اند. این غفلت ممکن است ناشی از عوامل متعددی باشد:

عوامل سیاسی چون تمرکز منابع تاریخی بر حوادث سیاسی و دربار و عوامل جغرافیایی مانند دورافتاده بودن منطقه‌ی گروس از مراکز اصلی قدرت و عوامل فرهنگی و تفاوت در گفتمان حاکم بر مرکز و پیرامون سبب این غفلت گردیده است

با این حال، برخی اسناد تاریخی به ارتباط او با دیگر علمای نجف و حضور او در حوزه‌ی علمیه‌ی نجف اشاره کرده‌اند. نامه‌های باقی‌مانده از مکاتبات او با علمای نجف و قم نشان‌دهنده‌ی ارتباطات علمی گسترده‌ی او است (صفری، ۱۳۹۵).

4-5. جایگاه شیخ فاضل در منابع معاصر

در دوران معاصر، توجه به شیخ فاضل گروسی افزایش یافته است. مهمترین اقدامات در این زمینه عبارتند از:

همایش‌های علمی چون سومین همایش بزرگداشت آیت الله شیخ فاضل گروسی (۱۴۰۴) و کنگره‌ی ملی عرفان اسلامی در غرب ایران (۱۴۰۲)، تألیفات جدید چون زندگینامه‌ی علمی شیخ فاضل گروسی (حسینی، ۱۳۹۵) و آثار و اندیشه‌های عرفانی شیخ فاضل (نوروزی، ۱۳۹۷) و ... از جمله این ادامات است.

مقایسه‌ی جایگاه شیخ فاضل گروسی در منابع مختلف نشان می‌دهد که در منابع شفاهی بیشتر بر جنبه‌های اجتماعی و مردمی شخصیت او تأکید شده است. در منابع مکتوب جنبه‌های علمی و فکری او برجسته و در منابع تاریخی کمترین توجه به او شده است با این حال در منابع معاصر تلاش برای ارائه‌ی تصویر جامعی از شخصیت او وجود دارد. این تفاوت‌ها می‌تواند ناشی از ماهیت مختلف این منابع و اهداف متفاوت آنها باشد (رضایی، ۱۳۹۰).

جایگاه شیخ فاضل گروسی در منابع تاریخی، ترکیبی از غنای فرهنگی و کمبود توجه آکادمیک است. از یک سو، منابع محلی و شفاهی او را به عنوان یک شخصیت برجسته‌ی عرفانی و فقهی معرفی می‌کنند و از سوی دیگر، منابع مکتوب و تاریخی کمتر به نقش او پرداخته‌اند.

برای درک کامل جایگاه شیخ فاضل گروسی، باید به منابع چندگانه، از جمله منابع شفاهی، اسناد محلی و آثار باقی‌مانده‌ی او، مراجعه کرد. همچنین، انجام پژوهش‌های میدانی و مصاحبه با بازماندگان و آشنایان او می‌تواند به تکمیل تصویر تاریخی از این شخصیت مهم کمک کند.

6- نقش هویت‌ساز شیخ فاضل گروسی در فرهنگ و تاریخ منطقه بیجار:

شیخ فاضل گروسی در فرهنگ و تاریخ منطقه بیجار تأثیرات هویت‌ساز مختلفی داشته است که عبارتند از:

6-1. تأثیر بر میراث ناملموس (آیین‌های محلی و ادبیات شفاهی)

شیخ فاضل گروسی به عنوان یک عالم عرفانی و فقهی، تأثیر عمیقی بر میراث ناملموس منطقه بیجار گذاشته است (فتحی و همکاران، ۱۳۹۸). او با تلفیق آموزه‌های عرفانی با فرهنگ بومی، به غنای فرهنگی منطقه افزود (کریمی، ۱۳۹۹). این تأثیرات عبارتند از:

الف- احیای مراسم عرفانی: شیخ فاضل در احیای مراسم ذکر و سماع عرفانی در منطقه بیجار نقش بسزایی داشت. این مراسم که ریشه در سنت‌های طریقت‌های قادریه و نقشبندیه دارد، تحت تأثیر آموزه‌های او غنای بیشتری یافت (رحمانی، ۱۳۹۷).

ب- تأثیر بر ادبیات شفاهی: اشعار و سخنان شیخ فاضل به صورت ضرب‌المثل و داستان‌های پندآموز در میان مردم منطقه رواج یافته است (جعفری، ۱۴۰۰). این آثار شفاهی که عمدتاً به زبان کردی اردلانی هستند، مفاهیم عرفانی را به زبانی ساده و قابل درک برای عامه مردم بیان می‌کنند (همان منبع).

ج- خلق داستان‌های نمادین: روایت‌های شفاهی متعددی از کرامات و رفتارهای exemplary او در میان مردم منطقه نقل می‌شود که نشان‌دهنده نفوذ عمیق او در فرهنگ محلی است (صفری، ۱۳۹۵).

6-2. مقایسه تطبیقی شیخ فاضل گروسی با سایر عرفای کردستان

مقایسه شیخ فاضل گروسی با دیگر عرفای کردستان نشان‌دهنده ویژگی‌های منحصربه‌فرد او در حوزه هویت‌سازی فرهنگی است (نوروزی، ۱۳۹۷). به عنوان مثال در حالی که شیخ شبستری بیشتر بر مفاهیم نظری و فلسفی عرفان تمرکز داشت، شیخ فاضل گروسی بر جنبه‌های عملی عرفان و تأثیر آن بر زندگی روزمره مردم تأکید می‌کرد (حلبی و میرزا مهدی اصفهانی، ۱۳۹۰).

همچنین بر خلاف بسیاری از عرفای قادریه که بیشتر بر ریاضت‌های فردی تأکید داشتند، شیخ فاضل به مشارکت اجتماعی و فرهنگی توجه ویژه‌ای داشت (محمدی، ۱۴۰۱).

6-3. نقش در شکل‌دهی به هویت فرهنگی منطقه

شیخ فاضل گروسی با فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی خود، نقش بسزایی در شکل‌دهی به هویت فرهنگی منطقه بیجار ایفا کرد (خبرگزاری مهر، ۱۴۰۴). شیخ فاضل با تلفیق عناصر فرهنگ بومی کردی با آموزه‌های عرفانی اسلامی، به ایجاد هویتی منحصربه‌فرد برای منطقه کمک کرد (کریمی، ۱۳۹۹). وی همچنین در مقابل فرقه‌های انحرافی مانند بهائیت ایستادگی می‌کرد و این موضوع باعث تقویت هویت مذهبی ارتدوکس در منطقه شد (کردتودی، بی‌تا).

6-4. تأثیر بر همزیستی ادیان و مذاهب

شیخ فاضل گروسی با برخورداری از دانش گسترده در مورد ادیان مختلف، به ترویج گفت‌وگوی بین‌ادیانی پرداخت (حسینی، ۱۳۹۵). او با علمای یهودی و مسیحی مباحثه می‌کرد و این موضوع باعث تقویت روحیه تسامح و همزیستی مسالمت‌آمیز در منطقه شد (همان).

شیخ فاضل گروسی با ترکیب دانش عمیق دینی، تعهد اجتماعی و شناخت فرهنگ بومی، نقش بی‌بدیلی در شکل‌دهی به هویت فرهنگی منطقه بیجار ایفا کرده است (فتحی و همکاران، ۱۳۹۸). تأثیر او بر میراث ناملموس منطقه، مقایسه‌اش با دیگر عرفای کردستان، و نقشش در تقویت هویت فرهنگی، 使他 به چهره‌ای ماندگار در تاریخ فرهنگی غرب ایران تبدیل کرده است (کریمی، ۱۳۹۹).

7- نتیجه‌گیری و جمع‌بندی نهایی

این پژوهش با هدف تبیین نقش هویت‌ساز شیخ فاضل گروسی در شکل‌گیری و تقویت هویت فرهنگی منطقه بیجار انجام شد. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که شیخ فاضل گروسی به عنوان یک چهره‌ی چندبعدی، تأثیر عمیق و پایداری بر ساختار فرهنگی و هویتی منطقه گذاشته است.

دستاوردهای اصلی پژوهش حاضر عبارتند از:

الف- نقش محوری در حفظ و توسعه میراث ناملموس شیخ فاضل گروسی با تلفیق هوشمندانه‌ی آموزه‌های عرفانی با عناصر فرهنگ بومی، موفق به خلق گفتمان فرهنگی منحصربه‌فردی شد که هم اصالت فرهنگی منطقه را حفظ کرد و هم آن را با معارف اسلامی غنی ساخت (کریمی، ۱۳۹۹). تأثیر وی در احیای مراسم عرفانی و توسعه‌ی ادبیات شفاهی، نمونه‌ای بارز از این نقش‌آفرینی است.

ب- ایجاد تعادل بین معنویت و عملگرایی و ویژگی ممتاز شیخ فاضل در مقایسه با دیگر عرفای منطقه، توجه همزمان به بُعد نظری عرفان و کاربرد عملی آن در زندگی روزمره بود (نوروزی، ۱۳۹۷). این رویکرد باعث شد آموزه‌های وی در متن جامعه نفوذ کند و به بخشی از زیست فرهنگی مردم تبدیل شود.

ج- تقویت گفت‌وگوی بینا فرهنگی شیخ فاضل با تسلط بر زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف، به تقویت گفت‌وگوی بین ادیان و مذاهب در منطقه کمک شایانی کرد (حسینی، ۱۳۹۵). این ویژگی، هویت فرهنگی منطقه را به سمت تسامح و همزیستی مسالمت‌آمیز سوق داد.

د- پایه‌گذاری نظام آموزشی پایدار با تربیت شاگردان فراوان و ایجاد شبکه‌ی علمی، شیخ فاضل زمینه‌ی تداوم و گسترش آموزه‌های خود را فراهم کرد (جعفری، ۱۴۰۰). این شاگردان که هر یک به نوبه‌ی خود به چهره‌های تأثیرگذار تبدیل شدند، باعث ماندگاری میراث فکری وی شدند.

برای پژوهش‌های آینده مطالعات بینارشته‌ای یعنی انجام پژوهش‌هایی با ترکیب روش‌های تاریخ شفاهی، مردم‌شناسی و تحلیل گفتمان، همچنین مطالعات تطبیقی به صورت بررسی مقایسه‌ای نقش شیخ فاضل با دیگر شخصیت‌های هویت‌ساز در مناطق دیگر ایران، مطالعات آرشیوی (جست‌وجوی نظام‌مند در آرشیوهای ملی و محلی برای یافتن اسناد جدید) و مطالعات میدانی جهت ثبت و ضبط نظام‌مند روایت‌های شفاهی باقی‌مانده از شیخ فاضل پیشنهاد می‌شود.

در نهایت می‌توان گفت شیخ فاضل گروسی به عنوان نماد پیوند سنت و مدرنیته، عرفان و عمل و محلیت و جهانی‌اندیشی، الگویی ارزشمند برای مطالعه‌ی نقش شخصیت‌های فرهنگی در شکل‌دهی به هویت‌های منطقه‌ای ارائه می‌دهد. میراث فکری و فرهنگی وی نه تنها بخشی از تاریخ منطقه که سرمایه‌ای ارزشمند برای فهم تحولات فرهنگی معاصر ایران به شمار می‌رود.

این پژوهش نشان می‌دهد که مطالعه‌ی زندگی و آثار چنین شخصیت‌هایی می‌تواند به درک عمیق‌تر از فرآیندهای هویت‌سازی در بافت‌های فرهنگی مختلف کمک کند و الگوهای بومی توسعه‌ی فرهنگی را ارائه دهد.

منابع:

۱. باستان‌شناسان ایرانی. (1397). کتیبه‌های خط هیراتیک در ایران.
۲. تسنیم. (1393). دیار گروس با 7 هزار سال قدمت.
۳. جعفری، ع. (۱۴۰۰). هویت فرهنگی در مناطق مرزی. تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی..
۴. حسینی، س. (۱۳۹۵). زندگی و آثار شیخ فاضل گروسی. بیجار: انتشارات فرهنگ گروس.

5. حلبی، ع. ا. و میرزا مهدی اصفهانی، م. (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی ازهار گلشن با گلشن راز شیخ محمود شبستری. نشریه علمی پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
6. خبرگزاری مهر. (۱۴۰۴). سومین همایش بزرگداشت آیت الله شیخ فاضل گروسی.
7. رحمانی، م. (۱۳۹۷). جریان‌های عرفانی در کردستان. مجله مطالعات فرهنگی.
8. رضایی، م. (۱۳۹۰). تاریخ مادها. تهران: انتشارات علمی.
9. رنجبر، ف. و محمدی، س. (۱۴۰۰). "تحلیل مکاتب عرفانی کردستان". *فصلنامه مطالعات عرفانی*، ۱۲(۳)، 45-67.
10. سازمان میراث فرهنگی. (۱۳۹۸). پرونده‌های ثبتی آثار تاریخی بیجار.
11. سایت مزارات ایران و جهان اسلام. (بی‌تا). مقبره علامه فاضل گروسی - بیجار.
12. صفری، ا. (۱۳۹۵). تاریخ فرهنگی بیجار. سنندج: انتشارات دانشگاه کردستان.
13. فتحی، ع.، رضایی، م.، و محمدی، ح. (۱۳۹۸). *جایگاه عرفان در غرب ایران*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
14. کردتودی. (۱۴۰۰). فرهنگ و گویش مردم بیجار.
15. کریمی، ا. (۱۳۹۹). عرفان و فرهنگ بومی در گروس. سنندج: انتشارات دانشگاه کردستان.
16. کریمی، ح. (۱۳۹۹). تعامل دین و فرهنگ در غرب ایران. پژوهشنامه فرهنگی کردستان، ۱۵(۳)، ۱۴۵-۱۶۰.
17. کردتودی. (بی‌تا). آیت‌الله فاضل گروسی و شاگردان بیجاری‌اش. بازیابی شده از <https://kordtoday.com>
18. گروسی، ف. (۱۳۱۰). مفردات القرآن الکریم. بیجار: انتشارات علوم اسلامی.
19. گروسی، ف. (۱۳۱۸). رساله فی الاصول. بیجار: انتشارات علوم اسلامی.
20. گروسی، ف. (۱۳۲۲). منازل السائرین. بیجار: انتشارات علوم اسلامی.
21. محمدی، ح. (۱۴۰۱). خلأهای پژوهشی در عرفان غرب ایران. مجله مطالعات اسلامی، ۱۵(۱)، 78-95.
22. محمدی، س. (۱۳۹۸). نقش علما در توسعه فرهنگی غرب ایران. فصلنامه مطالعات اجتماعی، ۲۲(۴)، ۳۴-۵۲.
23. مرکز پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران. (۱۳۹۵). گزارش کاوش‌های تپه قلعه بالا.
24. نوروزی، م. (۱۳۹۷). تأثیر ابن عربی بر عرفای غرب ایران.
25. ویکی‌پدیا. (۲۰۲۳). بیجار.
26. هاشم‌زاده، س. ی. (۱۳۸۸). شیخ فاضل گروسی. وبلاگ وه لیکان. بازیابی شده از <https://bijarkanoonparvaresh.blogfa.com>

منابع لاتین

- Bourdieu, P. (1986). The forms of capital. In J. Richardson (Ed.), Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education (pp. 241-258). New York: Greenwood
- Bourdieu, P. (1993). The field of cultural production. New York: Columbia University Press
- Giddens, A. (1991). Modernity and self-identity. Stanford: Stanford University Press
- Hall, S. (1996). Introduction: Who needs identity? In S. Hall & P. du Gay (Eds.), Questions of Cultural Identity (pp. 1-17). London: Sage

.Habermas, J. (1984). The theory of communicative action. Boston: Beacon Press

Weber, M. (2002). The Protestant ethic and the spirit of capitalism. New York: Penguin
.Books